اَدَم اسمیت

اَدَم اسمیت

دیوید رافائل

مترجم
عبدالله کوثری

نشرماهی
تهران
۱۳۹۵

David D. Raphael
Adam Smith
Oxford University Press, New York, 1989

سرشناسه:	رافائل، دیوید د. (۱۹۱۶ـ۲۰۱۵)	Raphael, David Daiches
عنوان و پدیدآور:	اَدَم اسمیت؛ دیوید رافائل؛ مترجم عبدالله کوثری.	
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۰.	
مشخصات ظاهری:	۱۴۰ ص.	
شابک:	ISBN 978-964-209-107-2	
یادداشت:	فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).	
یادداشت:	عنوان اصلی:	*Adam Smith*
یادداشت:	کتاب‌نامه.	
یادداشت:	نمایه.	
موضوع:	اسمیت، ادم، ۱۷۲۳ـ۱۷۹۰م.	Smith, Adam
شناسه‌ی افزوده:	کوثری، عبدالله، ۱۳۲۵ـ ، مترجم.	
رده‌بندی کنگره:	HB۱۰۳/ الف۵ر۲ ۱۳۹۰	
رده‌بندی دیویی:	۳۳۰/ ۱۵۳	
شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:	۲۳۱۰۶۵۴	

اَدَم اسمیت

نویسنده دیوید رافائل
مترجم عبدالله کوثری

✦

چاپ اول تابستان ۱۳۹۵
تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

✦

مدیر هنری حسین سجادی
حروف‌چینی سپیده
لیتوگرافی آرمانسا
چاپ جلد و متن صنوبر
صحافی سپیدار

✦

شابک ۲_۱۰۷_۲۰۹_۹۶۴_۹۷۸
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشرماهی

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵۱۸۸۰
www.nashremahi.com

فهرست

کوته‌نوشت‌ها ۷

۱ استاد بسیار مکتب‌ها ۹
۲ زندگی ۱۷
۳ اخلاق ۴۱
۴ اقتصاد ۵۹
۵ مقایسه‌ها ۱۰۱
۶ فلسفه، علم و تاریخ ۱۱۷

مآخذ ۱۲۹
برای مطالعه‌ی بیش‌تر ۱۳۱
نمایه ۱۳۵

این ترجمه را به دوست فرزانه‌ام
دکتر حسین عبده
تقدیم می‌کنم.
ع. ک.

کوته‌نوشت‌ها

همه‌ی صفحاتی که در این نوشته به آن‌ها ارجاع می‌دهیم از این مجموعه است.

Works and Correspondence of Adam Smith, Clarendon Press, Oxford.

نشانه‌های اختصاری کتاب‌هایی که در این متن به آن‌ها اشاره می‌کنیم بدین قرار است:

M *The Theory of Moral Sentiments,* ed. D. D. Raphael and A. L. Macfie (1976).

W *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations,* general editors R. H. Campbell and A. S. Skinner, textual editor W. B. Todd (1976).

P *Essays on Philosophical Subjects,* ed. W. P. D. Wightman, J. C. Bryce, and I. S. Ross, general editors D. D. Raphael and A. S. Skinner (1980).

R *Lectures on Rhetoric and Belles Lettres,* ed. J. C. Bryce, general editor A. S. Skinner (1983).

J *Lectures on Jurisprudence,* ed. R. L. Meek, D. D. Raphael and P. G. Stein (1978).

C *The Correspondence of Adam Smith,* ed. E. C. Mossner and I. S. Ross (1977).

۱
استاد بسیار مکتب‌ها

ادم اسمیت از آن استادان کهن است که هر کس با هر منش و روش او را به استادی می‌شناسد؛ محافظه‌کاران و مارکسیست‌ها، لیبرال‌ها و ضدرادیکال‌ها، اقتصاددانان، فیلسوفان و جامعه‌شناسان همگی به استادی او معترفند. گروه‌های مختلف هر یک چیزی را در آثار او ستایش می‌کنند، چندان‌که گاه این تردید برای انسان پیش می‌آید که آیا این همه چیزهای گوناگون با هم سازگاری دارند؟ با این همه، جنبه‌های متنوع آثار او چندان قدرت اقناع دارد که تردید در ژرفای آن‌ها به‌راستی روا نیست.

تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل بیش‌تر به سبب هواداری از تجارت آزاد شهرت یافته. لیبرال‌های قرن نوزدهم همچون ادم اسمیت بر آن بودند که آزادی تجارت در کنار دیگر انواع آزادی جای دارد و آن را چون اصلی اساسی در سیاستگذاری پیش چشم داشتند. در سال‌های اخیر، دست‌کم در بریتانیا، محافظه‌کاران خود را به کسوت آن لیبرال‌ها آراسته‌اند و از پایان جنگ جهانی دوم به این‌سوی، پرشورترین هواداران اقتصادِ مبتنی بر بازار آزاد نامدارترین رهبران حزب محافظه‌کار بوده‌اند. آن‌گاه که سر کیث جوزف در نخستین کابینه‌ی خانم تاچر به سمت وزیر صنایع منصوب شد، «فهرست خواندنی‌هایی» برای کارمندان عالی‌رتبه‌ی خود فرستاد که شامل ثروت ملل و نخستین کتاب ادم اسمیت، نظریه‌ی احساسات اخلاقی، بود.

جای شگفتی نیست اگر سیاستمداران جناح راست اثری را می‌ستایند که ریشه‌ی همه‌ی مواهب اقتصادی را در سرمایه‌داری سراغ می‌کند. آنچه

در نگاه نخست شگفت می‌نماید این است که کارل مارکس خود را وامدار ثروت ملل می‌داند؛ اما این نیز دلایلی روشن دارد. تفسیر ماتریالیستی مارکس از تاریخ، نظریه‌ی مراحل جامعه است، که هر یک از این مراحل برحسب نوع دارایی ساختار اجتماعی متمایزی دارد و به یک نظام تولید متمایز وابسته است. جوهر چنین نظریه‌ای شالوده‌ی کتاب ثروت ملل است که در عین آن‌که رساله‌ای اقتصادی است گفتاری جامعه‌شناختی نیز به شمار می‌آید. اسمیت از چهار مرحله‌ی جامعه سخن می‌گوید که نخستین آن عصر شکار و پس از آن عصر شبانی و سپس عصر کشاورزی و سرانجام عصر تجارت است. تحلیل فعالیت اقتصادی که موضوع اصلی این کتاب است به چهارمین مرحله‌ی این فرایند مربوط می‌شود. چشم‌انداز تاریخی در این کتاب برای آن است که سیر تحول قانون و حکومت را تبیین کند، که از این دیدگاه، در عصر شبانی، یعنی آن‌گاه که مفهوم دارایی [مالکیت] پدید می‌آید، ضروری می‌شود. شکارچیان آنچه را به کف می‌آورند در دم مصرف می‌کنند، شبانان گله‌ها را هم برای مصرف آینده و هم برای مصرف اکنون، اهلی می‌کنند. دارایی باید در امان باشد، و این، در نظر اسمیت، نخستین هدف حکومت است. «حکومت مدنی[1] از آن‌جا که به منظور ایمن‌داشتن دارایی تشکیل می‌شود، در واقع برای دفاع از توانگران در برابر مستمندان، یا برای دفاع از دارا در برابر ندار شکل می‌گیرد.» [W ۷۱۵] ادم اسمیت یگانه نویسنده‌ای نیست که مارکس سال‌ها بعد با مراحل تاریخ جامعه‌ی انسانی در آثار او آشنا شد، لیک هیچ نویسنده‌ای در توصیف این مراحل همچون اسمیت به ریشه‌ها نپرداخته است.

اما مخالفان رادیکالیسم، یا دست‌کم مخالفان رادیکالیسم سیاسی، نیز می‌توانند به همین سان از آثار اسمیت گفته‌ها نقل کنند. اسمیت می‌نویسد «انسان نظام‌مند این توانایی را دارد که در اغفال خود بس

1. civil government

هشیارانه عمل کند. او اغلب چنان شیفته‌ی محاسن فرضی طرح آرمانی خود برای حکومت می‌شود که کوچک‌ترین انحراف از آن را برنمی‌تابد.» [M ۲۳۳ـ۴] او فکر می‌کند که می‌تواند جامعه را همچون مهره‌های شطرنج نظام دهد، غافل از آن‌که «در شطرنج عظیم انسانی، هر مهره برای حرکتْ اصلی از آن خود دارد که با آنچه قانونگذار می‌خواهد بر آن تحمیل کند یکسره متفاوت است». این‌جا به بحث آزادی بازمی‌گردیم، و این بار بحث از آزادی سیاسی است، اما آن مفهومی از آزادی سیاسی که با رادیکالیسم اصلاح‌طلب قانونگذاران مغایرت دارد.

جیمز باسول زمانی در دانشگاه گلاسگو شاگرد ادم اسمیت بود. اسمیت در سال‌های آخر عمر خود به باسول گفت بزرگ‌ترین خطایش این بوده که بر اساس نظام عمل کرده و باسول با خود اندیشید که شنیدن چنین انتقادی از آدم فیلسوف عجیب است. اسمیتِ فیلسوف، و از آن مهم‌تر اسمیتِ اقتصاددان، بی‌تردید در جست‌وجوی نظام بود، اما این نظام را در جایگاه شایسته‌اش می‌نشاند. نظریه‌ی نظام‌مند در جای خود چیزی بود، چیزی ضروری برای تبیین رضایت‌بخش. اما عمل‌کردن بر اساس نظام، که الزاماً نظامی ساده‌شده می‌بود، و چشم‌پوشیدن بر ویژگی‌های هر مورد خاص چیزی یکسره متفاوت بود.

ادم اسمیت بنیانگذار مطالعه‌ی اقتصاد، و حتی مطالعه‌ی علمی آن، نبود. متفکران دوران باستان و قرون میانه، در تأملاتشان درباره‌ی نحوه‌ی عمل جامعه‌ی انسانی، نیم‌نگاهی نیز به حقایق اقتصادی افکنده بودند. در قرن هفدهم، و در قرن هجدهم، پیش از انتشار ثروت ملل، پیشرفت‌های نمایانی در تدوین نظریه‌های ارزش، پول و تجارت بین‌المللی روی داده بود. مکتب سوداگری[1] که هوادار نظارت حکومت بر تجارت خارجی بود، در تدوین نظریه‌ای نظام‌مند کامیاب شده بود، خاصه در رسایل تامس مون

1. mercantilism

در قرن هفدهم و در نوشته‌های سر جیمز استوارت اسکاتلندی، هموطن اسمیت در چند سال پیش از انتشار **ثروت ملل** (۱۷۷۶)، یعنی در ۱۷۶۷. در فرانسه، فیزیوکرات‌ها[1] تبیینی کاملاً متفاوت از فعالیت اقتصادی پیش نهاده بودند که هوادار سیاست تجارت آزاد بود. هرچند خاستگاه‌های آموزه‌ی ایشان وابسته به مفاهیم فلسفی قانون طبیعی بود، این آموزه را فرانسوا کِنِه در کتاب **جدول اقتصادی** (۱۷۵۸) به نظامی علمی بدل کرد. این نظام الگویی شبه‌فیزیولوژیکی از جریان سالانه‌ی پرداخت‌ها از یک طبقه‌ی شهروندان به طبقه‌ی دیگر، به صورت بهره‌ی مالکانه، قیمت، مزد و سود، بود. این الگو احتمالاً بر پایه‌ی تشبیه به جریان گردش خون شکل گرفته بود (کنه خود درس پزشکی خوانده و طبابت کرده بود) و در تاریخ علم اقتصاد به عنوان تحقیقی نظام‌مند جایگاهی نمایان یافت. کنه در ابداع این الگو تحت تأثیر کتابی نوشته‌ی ریشار کانتیون (منتشرشده در ۱۷۵۵) بود که برخی از محققان آن را نخستین بررسی علمی درباره‌ی اصول علم اقتصاد می‌دانند.

ثروت ملل در قیاس با این الگوهای فرانسوی گستره‌ای بسیار جامع‌تر و داده‌های واقعی بسیار دقیق‌تر دارد. اما با همه‌ی گستردگی، در پیوندادن ویژگی‌های گوناگون آنچه امروز حیات اقتصادی جامعه می‌خوانیم از نظمی نمایان برخوردار است. این کتاب به سبب درآمیختن نظریه‌ای نظام‌مند با گنجینه‌ای از داده‌های تجربی روشنگر، به اندازه‌ی کتاب داروین، **درباره‌ی منشأ انواع**، گیرایی دارد. اما در کتاب اسمیت خصلت نظام‌مندی نظریه به نشان‌دادن پیوندها مربوط می‌شود، حال آن‌که در کتاب داروین این خصلت به معنای تمرکزکردن بر یک اصل تبیین‌گر واحد است. تأکید اسمیت بر «نظام روشن و ساده‌ی آزادی طبیعی» [W ۶۸۷] و انتقاد از

۱. Physiocrats؛ یا طبیعیون. جمعی از متفکران فرانسوی در قرن ۱۸ که نخستین مکتب منظم اقتصادی را پی‌ریزی کردند. مؤسس این مکتب، فرانسوا کنه، زمین را منشأ ثروت می‌دانست و معتقد بود فقط کشاورزی می‌تواند بر ثروت ملی بیفزاید. م.

مکتب سوداگری نشانه‌ی باور ایدئولوژیکی ریشه‌داری است، اما او این باور را همچون اصلی عام برای تبیین فعالیت اقتصادی به کار نمی‌گیرد. **ثروت ملل** همه‌ی رساله‌های پیشین درباره‌ی اقتصاد سیاسی را در محاق برد، نه از آن روی که صلای تجارت آزاد در داد، بل بدان سبب که در عین جامعیت از نظمی بسزا برخوردار بود. این کتاب الگویی استاندارد شد که می‌بایست مطالعه می‌شد، به آزمون درمی‌آمد و بازنگری و اصلاح می‌شد.

در سالیان اخیر اقتصاددانان از دیدگاه‌های مختلف به این کتاب نظر افکنده‌اند. توجه ایشان به رشد اقتصادی سبب شده که **تحقیق در ماهیت و علل ثروت ملل** را ــ چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید ــ نوشته‌ای در بررسی رشد یا توسعه‌ی اقتصادی به شمار آرند، و این کتاب امروز نیز با همین عنوان جایگاهی نمایان در تفکر اقتصادی دارد. کتاب با مبحث تقسیم کار آغاز می‌شود، تا از همان گام اول نشان دهد چه تفاوت عظیمی در قابلیت تولید[1] وجود دارد وقتی ساختن سوزن بر عهده‌ی یک نفر است و زمانی که این فرایند میان ده نفر تقسیم می‌شود. آن‌گاه اسمیت این تقسیم کار را با انباشت سرمایه، افزایش اشتغال و مکانیسم خودسامانی[2] ربط می‌دهد که کار آن این است که از افزایش مزدها، در حدی که مانع رشد بیش‌تر شود، جلوگیری کند. در چنین چشم‌اندازی از رشد اقتصادی، بحث جامعه‌شناختی اسمیت درباره‌ی تاریخ جامعه جایگاهی مناسب می‌یابد و زمینه‌ی اصلی تصویری می‌شود که او پیش چشم خواننده می‌نهد.

اما اهمیت کار اسمیت از دیدگاه جامعه‌شناختی محدود به نظریه‌ی تاریخ اجتماعی او نیست. در **ثروت ملل** گفتارهایی بُهت‌آور درباره‌ی آموزش، روحانیان، ویژگی‌های طبقات مختلف جامعه و اثرات روانی تخصصی‌کردن می‌یابیم. خواننده‌ی **ثروت ملل** اگر نظریه‌ی **احساسات اخلاقی** را هم بخواند، درمی‌یابد که تمامی اندیشه‌ی اسمیت درباره‌ی رفتار

1. productivity 2. self-regulating

انسانی تحت تأثیر رویکرد جامعه‌شناختی اوست. کتاب **احساسات اخلاقی**، که بیش از هرچیز نوشته‌ای در فلسفه‌ی اخلاق است، اخلاق را همچون پدیده‌ای اجتماعی بررسی می‌کند. در رویکرد اسمیت به اخلاقیات[1] جایگاه اصلی از آن همدردی[2] است که مایه‌ی پیوند جامعه است. موافقت یا مخالفت دیگران با آنچه آدمی می‌کند، آینه‌ای است که او منش خود را در آن می‌بیند. هرچند اقتصاد اسمیت پیرو رفتار سودجویانه‌ای است که به سبب وجود بازار مشروط شده است، اخلاقیات او بر ساختار همبستگی اجتماعی تکیه می‌کند که به اندازه‌ی همان رفتار سودجویانه استحکام دارد و همدردی و اشتیاق ما آن را برای جلب احترام بنا کرده است.

احساسات اخلاقی با این ویژگی‌ها همچنان اثری فلسفی خواهد ماند. این کتاب نقطه‌ی اوجی در تاریخ یک نوع نظریه‌ی اخلاقی است که بنیان ارزش‌های اخلاقی را عواطف انسانی می‌داند. امروزه کتاب ادم اسمیت در قیاس با اثر دوستش، دیوید هیوم، که اندکی پیش‌تر نوشته شده، کم‌تر خوانده می‌شود. اگر بخواهیم سهم هر یک از این دو را در کلّ فلسفه بسنجیم، اسمیت هرگز به جایگاه والای هیوم (که خود اسمیت آن را از دل و جان ارج می‌نهاد) نزدیک نمی‌شود. اما اگر فلسفه‌ی اخلاق را به طور اخص در نظر بگیریم، افتخاری که از آنِ این دو می‌شود برابر است. اسمیت به پیروی از هیوم بر نقش همدردی در اخلاقیات تأکید می‌کرد. او اصلاحاتی در رویکرد هیوم وارد کرد و سپس برای تبیین وجدان[3]، یعنی داوری اخلاقی شخص درباره‌ی کرده‌های خود، مفهوم «ناظر بی‌طرف»[4] خیالی را بر آن افزود. این نظریه مشابه نظریه‌ی خویشتن برتر[5] بود که فروید در قرن بیستم مطرح کرد، با این تفاوت که اسمیت نظریه‌ی خود را با تأیید یا عدم تأیید جامعه آغاز می‌کند و فروید با تأیید یا عدم تأیید والدین.

1. ethics 2. sympathy 3. conscience
4. the impartial spectator 5. super-ego

آن دسته از پژوهندگان تاریخ و فلسفه‌ی علم که به تاریخ موضوع مطالعه‌ی خویش نیز می‌پردازند می‌دانند که اسمیت با مقاله‌ی «تاریخ اخترشناسی» پیشگام این عرصه است. این نوشته چندان‌که جنبه‌ی فلسفی دارد تاریخی نیز هست و از هر دو جنبه برای زمان خود اثری ممتاز است. نگاه تاریخی اسمیت به این موضوع امروز دیگر کهنه شده، اما نظریه‌ی فلسفی همراه آن که نظام‌های علمی را فرآورده‌ی تخیل می‌داند هنوز هم ستودنی است و نشانه‌ای است از کارکرد جسورانه‌ی تخیل عقلانی خود اسمیت.

قدرت اسمیت، هم در نظریه‌ی اخلاق و هم در فلسفه‌ی علم، در روان‌شناسی فلسفی او نهفته است. تأکید او بر همدردی و تخیل و نیز مقایسه‌ای که من بین او و فروید آوردم این نکته را نیز آشکار می‌کند. نظریه‌های روان‌شناسی فلسفی، خواه از زبان فیلسوفان مسلّم باشند و خواه از آنِ دانشمندان بالقوه‌ای چون فروید، حاوی عنصری نظری هستند که انکار یا پذیرش آن با تکیه بر داده‌های تجربی آسان نیست. اما ادم اسمیت در مقام روان‌شناس تجربی نیز خواننده را شیفته‌ی خود می‌کند. او هم در **احساسات اخلاقی** و هم در **ثروت ملل** نشان می‌دهد که ناظر دقیق رفتار آدمی است.

> جماعت تماشاگر آن‌گاه که به مرد رقاص بر ریسمان نااستوار چشم دوخته‌اند بی‌اختیار پیکر خود را پیچ و تاب می‌دهند و به حالت تعادل درمی‌آرند، درست به همان‌گونه که آن مرد عمل می‌کند؛ و بدان‌گونه که اگر به جای آن مرد بودند، عمل می‌کردند. [M ۱۰]

> آدم مردم‌آزار از شرارت‌های خود حکایت‌ها می‌گوید، که راست نیست. و تصور می‌کند که با این کار خود را اگر نه خواستنی‌تر و محترم‌تر، دست‌کم قلدرتر نشان می‌دهد. [M ۲۴۰]

> دو تازی که سر در پی خرگوشی نهاده‌اند، گاه چنین می‌نماید که با هم همدست شده‌اند. هر یک از آن‌ها شکار را به‌سوی رفیقش

می‌راند و هرگاه که رفیقش آن را به‌سوی او می‌راند می‌کوشد راه بر حیوان ببندد. [W ۲۵]

ادوارد وسترمارک، عالم انسان‌شناسی اجتماعی، **احساسات اخلاقی** را چنین توصیف می‌کند: «مهم‌ترین خدمتی که متفکری انگلیسی به روان‌شناسی اخلاقی کرده است.» هـ. ت. باکل درباره‌ی **ثروت ملل** چنین گفته است: «آن‌گاه که به نتایج غایی این کتاب می‌نگریم، درمی‌یابیم که این شاید مهم‌ترین کتابی باشد که تاکنون نوشته شده، و بی‌تردید پرارزش‌ترین سهمی است که تاکنون فردی واحد در تثبیت اصولی بر عهده گرفته که حکومت باید بر آن‌ها بنا شود.» عقیده‌ی نخست چیزی جز حکمی عادلانه نیست، اما داوری دوم، هرچند کم و بیش گزافگویانه است، به‌هیچ‌روی جای تمسخر ندارد. این دو بر روی هم شور و هیجانی را تصویر می‌کنند که ادم اسمیت، در مقام استادی کهن، در هر گروه از خوانندگان برانگیخته است.

۲
زندگی

ادم اسمیت در کرکالدی[1] واقع در ایالت فایف[2] زاده شد. تاریخ دقیق تولد او دانسته نیست، اما در ۵ ژوئن ۱۷۲۳ غسل تعمید یافت. پدرش پیش از تولد او در ژانویه‌ی همان سال درگذشته بود. او که خود نیز ادم نام داشت، حقوقدان و در زمره‌ی کارمندان کشوری بود. دو بار ازدواج کرده بود و از هر همسر پسری داشت. همسر نخستش، لیلیاس دروموند، در سال ۱۷۱۷ که پسرش هیو حدود هشت سال داشت، درگذشت. همسر دوم او که مادر همین ادم نام‌آور است، مارگرت داگلس نام داشت. این دو در ۱۷۲۰ ازدواج کردند و در آن زمان مارگرت بیست‌ساله و شویش چهل‌ساله بود. این زن با گذشت کم‌تر از سه سال بیوه شد. در چنین حال و روزی، یگانه پسر او، که بعد از مرگ شوهرش به دنیا آمده بود، بی‌گمان برای این زن بسیار عزیز بود، و پیوند میان مادر و فرزند در تمامی دوران طولانی زندگی او بسیار صمیمانه و نزدیک بود. ادم اسمیت خود هرگز ازدواج نکرد، و پیروان فروید بی‌تردید بر این عقیده‌اند که این نتیجه‌ی دلبستگی او به مادرش بوده است. اما مهر فرزندی مانع آن نبود که دست‌کم دو بار عاشق شود، و خوی عاشق‌پیشه‌ی او در جای‌جای کتاب **احساسات اخلاقی** آشکار می‌شود.

آورده‌اند که گروهی کولی ادم اسمیت سه‌ساله را که به دیدار عمویش رفته بود، می‌دزدند. جان ری، نویسنده‌ی زندگی‌نامه‌ی اسمیت، می‌گوید

1. Kirkcaldy

۲. Fife؛ ایالتی در شرق اسکاتلند. م.

«متأسفانه باید گفت که او کولی بی‌دست و پایی می‌شد» و در این داوری بی‌گمان به حواس‌پرتی اسمیت که زبانزد همگان بود و نیز گرایش او به تأملات دور و دراز توجه دارد. البته من مطمئن نیستم که خود اسمیت با این داوری موافقت می‌کرد، زیرا او توانایی‌های آدمی را بیش‌تر نتیجه‌ی پرورش می‌دانست نه زاییده‌ی فطرت. «اختلاف میان متفاوت‌ترین منش‌ها، مثلاً میان فیلسوف و باربر کوچه و بازار، به گمان من بیش‌تر نتیجه‌ی عادت، عرف و آموزش است نه زاییده‌ی فطرت آدمی.» [W ۲۸ـ۹] به هر تقدیر اسمیت یگانه استاد پریشان‌فکری نیست که در عرصه‌ی عمل هم به‌تمامی کامیاب بوده و می‌توانم بگویم که در خیل کولیان نیز آدمی به‌راستی سودمند می‌شده؛ بگذریم از این‌که اقامت کوتاه اجباری‌اش در کنار آنان چندساعتی بیش نپایید.

اسمیت بعد از تحصیل در مدرسه‌ی شهر کرکالدی در سال ۱۷۳۷، در سن چهارده سالگی به دانشگاه گلاسگو رفت. سن او اندکی بیش‌تر از سن و سال معمول آن روزها برای آغاز تحصیلات دانشگاهی بود. دلیل این‌که او را به جای یکی از دانشگاه‌های نزدیک‌تر، مثلاً ادینبورگ یا سنت‌اندروز[1]، به گلاسگو فرستادند، بر ما روشن نیست. شاید بدان‌سبب که عمه‌ای در گلاسگو داشت، یا از آن روی که دانشگاه گلاسگو این امکان را فراهم می‌آورد که دانشجو با استفاده از کمک‌هزینه‌ی تحصیلی اسنل[2] به بیلیول کالج[3] آکسفورد برود و ادم اسمیت چنین کرد. یکی از همشاگردی‌های اسمیت سال‌ها بعد به یاد می‌آورد که درس‌های مورد علاقه‌ی او در دانشگاه گلاسگو ریاضیات و فلسفه‌ی طبیعی (فیزیک) بوده است. استعداد او در این درس‌ها از مقاله‌اش درباره‌ی تاریخ اخترشناسی

1. Saint Andrews

۲. Snell Exhibition؛ این کمک‌هزینه از ثروت یکی از دانشجویان سابق آکسفورد، به همین نام، تأمین می‌شد. م.

3. Balliol College

آشکار می‌شود، اما آثار او در مجموع نشانه‌ای از گرایش به این موضوعات ندارد. اسمیت در دوران دانشجویی سخت تحت تأثیر فرانسیس هاچسن، استاد فلسفه‌ی اخلاق، بود که گفتارهایش درباره‌ی اخلاقیات، فلسفه‌ی حقوق، و اقتصادْ شالوده‌ی تفکر اسمیت در این زمینه‌ها شد.

در سال ۱۷۴۰ اسمیت با استفاده از کمک‌هزینه‌ی تحصیلی اسنل از گلاسگو به آکسفورد رفت. این کمک‌هزینه جایزه‌ای بود که به‌منظور کمک به آموزش دانشجویان اسکاتلندی که با هدف خدمت در کلیسای اسقفی[1] اسکاتلند تحصیل می‌کردند پرداخت می‌شد. اما در سال ۱۶۹۰ که کلیسای اسکاتلند به نظام پرسبیتری[2] گروید، این شرط برداشته شد، و در زمان ادم اسمیت، همچون امروز، کمک‌هزینه‌ی اسنل در اختیار دانشجویان بااستعداد دانشگاه گلاسگو نهاده می‌شد تا به آکسفورد بروند و در هر رشته‌ای که می‌خواهند تحصیل کنند. اسمیت شش سال در آکسفورد ماندگار شد و چنین می‌نماید که خود موضوع مطالعات خویش را برمی‌گزید. او نیز چون ادوارد گیبون معلمان دانشگاه آکسفورد را به‌گونه‌ای فضیحت‌بار کاهل و بی‌کفایت یافت. در ثروت ملل [۷۶۱] می‌نویسد: «در دانشگاه آکسفورد، بسیاری از استادان حتی تظاهر به درس‌دادن را کنار نهاده‌اند.» این تضادی نمایان با دانشگاه گلاسگو داشت که در آن تدریس در جایگاه نخستین بود و استادانش، به‌ویژه هاچسن، مدرسانی بی‌بدیل بودند.

اما در بیلیول کالج اسمیت به کتابخانه‌ای خوب دسترسی داشت و در آن‌جا به مطالعه‌ی وسیع آثار کلاسیک لاتینی و یونانی و ادبیات فرانسه (که قطعاتی از آن را با شور و شوق به انگلیسی ترجمه کرد) دست زد. همچنین مطالبی از فلسفه‌ی جدید از جمله رساله درباره‌ی فطرت آدمی

۱. Episcopal Church؛ از شاخه‌های کلیسای انگلیکان، مبتنی بر قدرت نظارت اسقف‌ها. م.

۲. Presbyterian؛ نظام کلیسایی که در آن هیئت‌هایی از روحانیان (رهبران) اداره‌ی امور کلیسا را برعهده دارند. م.

نوشته‌ی هموطنش هیوم را که به‌تازگی منتشر شده بود مطالعه کرد. اسمیت سال‌ها بعد به دوستانش گفت که به سبب خواندن آن کتاب توبیخ شده و خود کتاب هم متنی پیچیده بوده است. رساله‌ی هیوم را در آن زمان عموماً ملحدانه و مخرب اخلاق می‌دانستند. چنین می‌نماید که اسمیت خود درکی هشیارانه از مطالب اصیل‌تر این رساله داشته است. ارجاعات او به اخلاقیات هیوم در کتاب **نظریه‌ی احساسات اخلاقی** اشاراتی است حاکی از ادراکی سنجیده، اگرچه نه همواره دقیق، از این رساله. مقاله‌ی او درباره‌ی تاریخ اخترشناسی نیز استوار بر ادراکی از نظریه‌ی پیچیده‌ی هیوم درباره‌ی تخیل است که حرفه‌ای‌ترین فیلسوفان در درازای دو قرن به آن نرسیدند.

اسمیت از آکسفورد به خانه‌ی مادری در کرکالدی بازگشت و بی‌تردید در آن‌جا بود که به فکر راهی برای گذران زندگی افتاد. دو سال بعد گروهی از نیکخواهان ادینبورگ، از جمله یکی از اعضای نامدار انجمن حقوقدانان اسکاتلندی، هنری هوم (که بعدها با لقب لرد کیمز منصب قضاوت یافت)، امکاناتی فراهم کردند تا اسمیت درباره‌ی فن بلاغت و معانی و بیان سخنرانی کند. این سخنرانی‌ها در شمار درس‌های دانشگاه ادینبورگ نبود، اما شنوندگان فراوان داشت که بیش‌تر دانشجویان حقوق و الهیات بودند، و در سال بعد نیز ادامه یافت و درآمد سالانه‌ای برابر با ۱۰۰ پوند نصیب اسمیت کرد. اسمیت دست‌کم در سال آخر از این سه سال، افزون بر گفتارهایی درباره‌ی فن بلاغت و معانی و بیان، برای استفاده‌ی دانشجویان حقوق سخنرانی‌هایی درباره‌ی حقوق مدنی نیز ایراد کرد. در این سخنرانی‌ها نیز گروهی مردمان سالخورده که در حیات فرهنگی شهر جایگاهی والا داشتند شرکت می‌جستند.

گفتارهای اسمیت هواداران بسیار یافت و آن‌گاه که کرسی درس منطق دانشگاه گلاسگو در سال ۱۷۵۰ بی‌استاد ماند، بلافاصله آن را بر اسمیت عرضه کردند و او در سال ۱۷۵۱ این درس را بر عهده گرفت و در این کار شیوه‌ی متعارف تدریس منطق و ماوراءالطبیعه را با شرحی از فن بلاغت و

معانی و بیان، بدان‌گونه که در ادینبورگ عرضه کرده بود، تکمیل کرد. او بر آن بود که این درس بدین شیوه برای دانشجویان «جذاب‌تر و سودمندتر» است [P ۲۷۳]. اما بهره‌گیری از گفتارهای ادینبورگ دلیل دیگری نیز داشت. در تابستان سال ۱۷۵۱، پیش از آن‌که اسمیت کار تدریس را آغاز کند، استاد درس فلسفه‌ی اخلاق بیمار شد و پزشکان تجویز کردند که زمستان را برای آب و هوایی گرم‌تر به خارج سفر کند. از اسمیت دعوت شد که علاوه بر تدریس منطق بخشی از درس فلسفه‌ی اخلاق را نیز بر عهده گیرد. مقامات دانشگاه گلاسگو می‌دانستند که گفتارهای موفق اسمیت در ادینبورگ شامل بحثی درباره‌ی قانون و حکومت نیز می‌شده، پس پیشنهاد کردند که آن بخش از درس فلسفه‌ی اخلاق که قرار بود او بر عهده گیرد درباره‌ی «فلسفه‌ی حقوق طبیعی» و «سیاست» باشد [C ۵]. از آن‌جا که می‌بایست در نخستین سال تدریس وظیفه‌ای دیگر را نیز پذیرا می‌شد، برای سبک‌کردن این بار آسان‌ترین راه استفاده از گفتارهای ادینبورگ در درس منطق بود.

حضور اسمیت در کلاس درس منطق دوره‌ای کوتاه داشت. استاد بیمار فلسفه‌ی اخلاق، تامس کریگی، در نوامبر ۱۷۵۱ درگذشت و در آوریل سال بعد اسمیت به جانشینی او منصوب شد. موضوعاتی که در کلاس فلسفه‌ی اخلاق تدریس می‌شد (الهیات، اخلاق، اصول عمومی قانون و حکومت و اقتصاد) بیش از منطق و ماوراءالطبیعه با ذوق او همخوانی داشت، هرچند که در منصب جدید همچنان به تدریس فن بلاغت و معانی و بیان که بخشی افزوده بر درس فلسفه‌ی اخلاق بود، ادامه داد. گزارش یکی از دانشجویان از درس فن بلاغت در سال‌های ۱۷۶۲ـ۱۷۶۳، در سال ۱۹۵۸ یافته شد و نیز گزارشی مشابه از نیمه‌ی دوم دوره‌ی درس فلسفه‌ی اخلاق در همان سال به دست افتاد. گزارشی خلاصه‌شده از گفتارهای «درباره‌ی فلسفه‌ی حقوق» (قانون، حکومت و اقتصاد) به شکلی که در ۱۷۶۳ـ۱۷۶۴ ایراد شده بود نیز پیش از آن، در سال ۱۸۹۵ به دست آمده بود.

ادم اسمیت دوازده سال عهده‌دار کرسی فلسفه‌ی اخلاق در گلاسگو بود. او استادی بود که ستایش دانشجو را برمی‌انگیخت. هرچند بیان شیوای هاچسن، معلم خود و سلف کریگی، را نداشت، در تشریح و توضیح مطالب از استعدادی خاص برخوردار بود و نظریه‌های واقع‌گرایانه‌اش، در قیاس با نظریه‌های هاچسن، اصالت و انسجام بیش‌تری داشت و دشواری‌های کار را دقیق‌تر آشکار می‌کرد. اسمیت مانند هاچسن، مسئولیت خود در برابر دانشجویان را بس جدی می‌گرفت. درس منظم یا «عمومی» خود را در ساعات اولیه‌ی هر روز هفته می‌داد و به دنبال آن بحثی غیررسمی یا «آزمون» در صبح همان روز داشت و سپس درس اضافی یا «خصوصی» درباره‌ی فن بلاغت در نیمروز برگزار می‌شد. به شاگردان برگزیده‌اش درس خصوصی می‌داد و سخت مراقب سلامت و پیشرفت فردی دانشجویانی بود که در خانه‌اش اقامت داشتند. او در اداره‌ی دانشگاه نیز بسیار باکفایت بود. بیش از هر استاد معمولی از این‌گونه مسئولیت‌ها بر عهده می‌گرفت و همگان پذیرفته بودند که توانایی آن همه را دارد. او مدت شش سال، یعنی دورانی طولانی‌تر از معمول، خزانه‌دار کالج بود، و در اواخر دوران اقامت در گلاسگو به ریاست دانشکده و ریاست انتخابی دانشگاه رسید و نیز رییس کمیته‌ای شد که برای رسیدگی به اختلافی دیرپای درباره‌ی حدود قدرت رئیس و ناظم تشکیل شده بود. هرگاه که دانشگاه ناچار بود وارد مذاکراتی حساس با مقامات خارجی مانند شورای شهر گلاسگو یا نمایندگان خزانه‌داری در لندن شود، اغلب از اسمیت دعوت می‌کرد تا سخنگوی آن باشد. او اگرچه به پریشان‌حواسی شهره بود، در موارد عملی سرسختی و کارآیی بسیار از خود نشان می‌داد.

گفتارهای اسمیت درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاق به سه بخش تقسیم می‌شد، الهیات طبیعی، اخلاق، و فلسفه‌ی حقوق. این تقسیم‌بندی به پیروی از شیوه‌ی استادان پیشین و نیز سنت عمومی فلسفه‌ی اخلاق اسکاتلند در آن روزگار بود.

ما از مضمون گفتارهای او درباره‌ی الهیات به‌راستی چیزی نمی‌دانیم. گزارشی نوشته‌ی جان میلار، نخست شاگرد و سپس همکار و دوست اسمیت، فقط این را می‌رساند که او در این بخش از درس‌های خود «به دلایل وجود خدا و به صفات خدا و نیز به آن اصول ساخته‌ی ذهن آدمی می‌پرداخت که مذهب بر آن‌ها بنا شده است» [P ۲۷۴]. نشانه‌هایی از رویکرد او به این موضوع آخر را می‌توان در فصلی از **احساسات اخلاقی** مشاهده کرد، یعنی در آن‌جا که خدایان را موضوع خوف مذهبی به شمار می‌آرد و می‌گوید آنان چنان تصور شده‌اند که احساسات و شور و شرشان به آدمی مانند باشد. این گفته که آدمی خدایان را بر صورت خویش آفرید، ناخشنودی برخی از مردمان را برانگیخت. اینان شکوه می‌کردند که گفتارهای اسمیت درباره‌ی الهیات «بیش از آنچه بایست به غرور آدمی دامن می‌زند».

بخش دوم گفتارهای اسمیت، درباره‌ی اخلاق، درنهایت به کتاب **نظریه‌ی احساسات اخلاقی** تبدیل شد. گرایش اسمیت این بود که هر موضوعی را در مرحله‌ی اول از دیدگاه تاریخی بنگرد و آن‌گاه با تأمل در تاریخ گذشته‌ی آن، افکار خود را بپروراند. دلایلی داریم تا تصور کنیم که گفتارهای او درباره‌ی اخلاق، در شکل اولیه‌ی خود، با بررسی تاریخی فلسفه‌ی اخلاق از افلاطون تا هیوم آغاز می‌شده است. او در نظریه‌ی اخلاق خود از همان مبنایی آغاز می‌کند که هاچسن، آموزگارش، و هیوم، که در آن زمان دیگر دوست او شده بود، آغاز کرده بودند، اما مسیری تازه را پیش می‌گیرد تا ضعف‌های مواضع ایشان را جبران کند. همچنین شواهد روشنی داریم از این‌که نظریه‌ی اخلاق اسمیت در طول دوازده سال تدریس فلسفه‌ی اخلاق تحول نمایان یافت. این تحول پیش از انتشار نخستین نشر **نظریه‌ی احساسات اخلاقی** در ۱۷۵۹ آغاز شد و بعد از آن نیز ادامه یافت.

سومین بخش گفتارهای او، درباره‌ی فلسفه‌ی حقوق، در گزارش جان